

به نام خدا



بهروز رضایی کهریز

تصویرگر: سید مسعود شجاعی طباطبایی

گوسفندنامه



نشر طلایی

مجموعه کتاب‌های لبخندِ سفید

سرشناسه: رضایی کهریز، بهروز، ۱۳۴۷ - Rezaei Kahrezi, Behrooz
 عنوان و نام پدیدآور: گوسفندنامه/ بهروز رضایی کهریز؛ تصویرگر سیدمسعود شجاعی طباطبایی.
 مشخصات نشر: تهران: نشر طلایی، ۱۴۰۴.
 مشخصات ظاهری: ۶۴ ص: ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۷۲۸-۰۲-۹
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: طنز فارسی -- قرن ۱۴
 Satire, Persian -- ۲۰th century
 مسائل اجتماعی -- ایران -- لطایف و حکایات
 Social problems -- Iran -- Anecdotes
 شناسه افزوده: شجاعی طباطبائی، سیدمسعود، ۱۳۴۲-، تصویرگر
 رده بندی کنگره: PIR۳۴۵
 رده بندی دیویی: ۶۲۸/۵۷۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۹۹۱۴۵۶



نشر طلایی

گوسفندنامه

نویسنده: بهروز رضایی کهریز

ویراستار: حبیب یوسف زاده

تصویرگر: سید مسعود شجاعی طباطبایی

طراح گرافیک: کاظم طلایی

لایه‌گرافی، چاپ و صحافی: چاپ احرار مبین

تعداد: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۴۰۴

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۴۷۲۸ - ۰۲ - ۹

تلفن: ۶۶۴۸۳۰۶۶ - ۲۱

تلفن همراه: ۹۱۲۶۸۶۴۱۹

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب، برای نشر طلایی محفوظ است.
 هرگونه بهره‌برداری از این اثر، به اجازه ناشر نیاز دارد.

nashre.talaee@gmail.com
 www.talaee.ir



فهرست

در نگارش کتاب ۵

نیش گفتار ۱۲

در و دروازه ۱۵

در مسیر تحصیل ۱۵

درهای هوشمند ۱۷

ازدواج گوسفندی ۱۹

شلوارهای پاره ۲۰

لباس تابستانی ۲۲

انتقام فراموشی! ۲۳

عاشقانه‌های تقلبی ۲۴

آبخوری ویژه ۲۶

جشن رهایی پرنده‌ها ۲۸

چراگاه مجازی ۳۱

معرکه‌گیری مجازی ۳۴

شب عروسی ۳۶

گوسفندان تمیز ۳۸

منافع عمومی در مرام گوسفندی ۳۹

هویس پله برقی ۴۰

نقلیه عمومی یا خصوصی؟ ۴۲

گوسفندان و رانندگی ۴۴

فاصله ایمنی کیلویی چند؟ ۴۶

عشق بوق و موتور ۴۷

همرنگ جماعت! ۴۸

گوسفندان میمون‌تبار ۴۹

شاخص مهم نوبت‌گزیری ۵۲

گوسفندان شایعه‌جو ۵۳

کله شقی گوسفندی ۵۶

ترقی گوسفندی ۵۸

گوسفندان و فست‌فود ۶۰

غم عشق ۶۱





درنگارش کتاب

وقتی کتاب را به ناشر سپردم، گفت مقدمه‌ای بر آن بنویسم. خیلی فکر کردم که چه بنویسم. ابتدا گفتم تقدیمیه‌ای بر کتاب بنویسم و آن را به همسرم تقدیم کنم تا هم از زحماتش قدردانی کنم و هم قدر و قیمت خود را در چشم او بیفزایم و ادامه از همت ناشر محترم و ویراستار عزیز کتاب سپاس‌گزاری کنم. اما باز با خود اندیشیدم این پنج سطر مقدمه، شاید در چشم خواننده بی‌احترامی تلقی شود. در این اندیشه بودم که مقدمه کتابی قدیمی نظرم را جلب کرد. گویی نویسنده نازنین آن، قرن‌ها قبل، آن را برای گوسفندنامه نوشته بود. اکنون با اجازه از روح شریف آن مرحوم، بخشی از این نوشته را از کتاب گران‌سنگ «سیر و سلوک خردمندی در دوری از آداب گوسفندی» نقل می‌کنم.

و اما بعد ...

یکی از دوستان جانی روزی مرا گفت که چرا در باب اخلاق خلق و حال و هوای روزگار چیزی نمی‌نویسی که به عنوان باقیهٔ صالحه از خود به‌جا گذاری؟ چه بسا گوسفندی را به کار آید و خصلت زشت و پلشت خویش فروگذارد؛ که دیده‌اند جانوری وحشی در کنار آدمی، خوی خویش را فروهشته و خوی آدمی گرفته است.

باری این حرف در من گرفت و با خود اندیشیدم که اگر قلم را در این کار نگردانم، به چه کارم خواهد آمد؟ و باری اگر تلنگری نشد و به کار گوسفندی نیامد که خصلتی از او برگرداند، دست‌کم شاید آدمی را وادارد که در دام گوسفندنمایی، که رسم روزگار شده است،



نیفتد و بیرهیزد از اینکه خدای نخواستہ، خصلتی از ایشان را در نهاد خویش استوار و در رفتار خود ثابت و برقرار دارد.

و سپس در پایان، آورده است:

عزیزا، در این رساله کوشیده‌ام، در حد وسع، آداب و رفتار گوسفندان را واگویم تا خواننده، با اندک دقتی در رفتار، آن‌ها را بشناسد و اگر در تغییر خلصت ایشان ناکام ماند، باری خود را کنار کشد و خویش را از آلوده شدن به ایشان در امان دارد. اکنون چنانکه بزرگان فرموده‌اند زمانه ما روزگار نفسانیات است و خویش وانمودن. از این‌رو هر چه تو را متفاوت نماید،